

مصیبت بود روزگار

چون ایران، روی آوری به مصرف بیش از اندازه و فروش ماده حیاتی چون نفت و گاز به منظور تأمین مایحتاج خوراکی چون گندم و برنج که امکان تولید آن‌ها در کشور به خوبی وجود دارد (حتی در گذشته صادر کننده این محصولات هم بوده ایم) و بدتر از آن تعویض پول نفت با اتومبیل‌های لوکس زیر پای افرادی خاص، به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست. ما در این جا قصد نداریم یا اصلاً صلاحیت آن را نداریم که موضوع را از دیدگاه‌های سیاسی مورد بررسی قرار دهیم، چون فصل‌نامه ما نشریه‌ای علمی، آموزشی و فرهنگی برای دبیران زمین‌شناسی است، ولی به حکم وظیفه می‌توانیم و باید به آن‌ها بپردازیم. اطلاع‌رسانی مختصری از ویژگی‌ها و توانایی‌های کشور از دیدگاه‌های زمین‌شناسی و وجود منابع زیرزمینی فراوان و متنوع که در جای جای این کشور وجود دارند، می‌تواند در این زمینه بسیار راهگشا باشد. پس به واقعیت‌های زیر نظر اندازید و آن‌گاه بیندیشید که آنچه ما می‌گوییم بجاست یا نه؟!
سرزمین ایران از نظر موقعیت زمین‌شناسی

در روزنامه همشهری مورخ هشتم دی ماه سال گذشته از قول یکی از کارشناسان انرژی اعلام شده بود که با توجه به مصرف بی‌رویه و روزافزون انرژی در کشور «ده سال بعد» از جمله کشورهای واردکننده انرژی خواهیم بود و دچار بلایی خواهیم شد که سر کشورهایی مانند اندونزی و مکزیک آمد. آن‌ها نفهمیده و نسنجیده منابع انرژی‌شان (به‌ویژه نفت و گاز) را بی‌محابا و بدون آینده‌نگری مصرف کردند و حالا انگشت حسرت بر دندان می‌گزند و «کاسه چه کنم» به دست گرفته‌اند، در حالی که شاید می‌دانستند حامل‌های انرژی فسیلی مانند نفت و ذغال سنگ با ذخایر معینی که دارند پایان‌پذیر و تجدیدناپذیرند.
و این چنین است در بعضی کشورهای جهان (به‌ویژه کشورهای در حال توسعه) که با اقتصاد تک محصولی روزگار می‌گذرانند. در این کشورها شاید برای گذران زندگی روزمره‌شان چاره‌ای جز این راه یعنی اقتصاد تک محصولی نداشته باشند، ولی در کشور پهناور و غنی از ذخایر معدنی (به‌جز نفت و گاز) با موقعیت جغرافیایی و زمین‌شناسی ویژه

ایاقتن!

مثال، وقتی صحبت از معدن مسی در فلان نقطه کشور می‌کنیم به ظاهر معدنی را می‌گوییم که ماده معدنی آن کانی‌های مس (مانند مالاکیت، آزوریت، برنیت و...) است، ولی در بسیاری از معادن در کنار ماده معدنی اصلی مواد معدنی دیگری چون طلا، نقره، سرب، روی و... وجود دارند که ارزش افزوده بالایی را برای کانسار مزبور فراهم می‌کنند. این مختصر که مشتی است نمونه خروار، نشان از غنای مملکت در ذخایر معدنی دارد. بنابراین اگر به‌طور صحیح و اصولی از آن‌ها بهره‌برداری کنیم و خام فروشی نکنیم و به تولید مواد معدنی فراوری شده پردازیم، به‌نظر شما آیا نمی‌توانیم کشور را از اقتصاد تک محصولی (نفت و گاز) نجات دهیم و ذخایر گران‌بهای رسیده از نسل گذشته به‌دستمان را حفظ کنیم و دست کم آن که سهم نسل آینده را پیش‌خور نکنیم؛ من شک ندارم که می‌توانیم، شما چطور؟ و یادمان باشد که: **مصیبت بود روز نیاقتن.**

ساختاری و تکتونیک ورقی (Plate Tectonic) بین ورق‌های اوراسیا و گندوانا و روی کمربند تکتونیک آلیپ-همالیا قرار گرفته است، یعنی ناحیه‌ای از زمین که ۱۵ درصد ذخایر معدنی دنیا را تأمین می‌کند. از مجموع رویه این کمربند، ۱۲/۵ درصد آن از خاک ما می‌گذرد که با توجه به غنای معدنی کشورهای مسیر این کمربند می‌توان به غنای معدنی کشورمان پی ببریم. با این توضیح برابر آمارهای جهانی منتشر شده، گفته می‌شود که سه درصد ذخایر معدنی شناخته شده جهان در کشور ما جای گرفته که شامل هفتاد نوع ماده معدنی است و براساس محاسبات و آمارهای منتشر شده رسمی ذخیره‌ای برابر با شصت میلیارد تن از انواع مختلف مواد معدنی را تشکیل داده‌اند. از این مقدار ۴۸ میلیارد تن ذخایر قطعی و بقیه ۲۲ میلیارد تن ذخیره احتمالی است. بیش از هشت هزار معدن در کشور وجود دارد که بیشتر از شش هزارتای آن‌ها فعال و بقیه غیرفعال اند و حجم استخراج مواد معدنی از آن‌ها را بیش از ۳۶۰ میلیون تن گزارش کرده‌اند. گفتنی است که، برای